



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

Volume 1, Issue 1, 2023

The Role of the Actions of the Security Council in the Transformation of the Council from a Political Institution to a Quasi-Legal one with an Emphasis on Established Courts

Mojtaba Ansarian*¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 61-76

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3721-9378

TELL: +989124796670

Email: m_ansarian@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 05 Dec 2022

Revised: 05 Feb 2023

Accepted: 09 Feb 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

United Nations, Security Council, International Criminal Court, Political Pillar, Judicial Pillar.

ABSTRACT

Maintaining international peace and security is the responsibility of the Security Council. According to Article 39 of the United Nations Charter, this duty is the responsibility of the Council as an inherent and primary obligation. However, the actions of that council based on the change of conditions and circumstances and the transformation of threats from gross and widespread violations of human rights to global warming and climate change and disease epidemics have caused the Security Council to operate beyond international hostilities. Therefore, after recognizing a situation as a threat to peace and security, it issues a resolution based on the seventh chapter. Among the council's actions in order to resolve peace violations and return the situation to the previous state, the establishment of adhoc courts and mixed judicial courts are notable. In this article, with a descriptive method the actions of the Security Council were analyzed. It was concluded that the Security Council as a permanent institution and a comprehensive pillar in the United Nations, in dealing with the new threats has made resolutions and established courts that are beyond its political state and has entered into a quasi-legal institution.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Ansarian, M (2023). "The Role of the Actions of the Security Council in the Transformation of the Council from a Political Institution to a Quasi-Legal one with an Emphasis on Established Courts". *Journal of International Criminal Law*, 1(1): 61-76.



دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

نقش اقدامات شورای امنیت

با تأکید بر دادگاه‌های تأسیسی در تحول شورا از نهادهی سیاسی به شبه حقوقی

مجتبی انصاریان^{۱*}

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است. این وظیفه طبق ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد به‌عنوان تعهدی ذاتی و نخستین بر عهده آن شورا است. بر اساس منشور، شورای امنیت رکن سیاسی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. اما اقدامات آن شورا بر اساس تغییر شرایط و اوضاع و احوال و دگرگونی تهدیدها از نقض فاحش و گسترده حقوق بشر تا گرم شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی و همه‌گیری بیماری در سطح جهانی موجب شده است شورای امنیت فراتر از ورود به عرصه مخاصمات بین‌المللی عمل کند. بدین جهت پس از تشخیص یک وضعیت به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت به صدور قطعنامه بر اساس فصل هفتم اقدام می‌نماید. از جمله اقدامات شورا در راستای برطرف کردن نقض صلح و برگرداندن وضعیت به حال سابق، تأسیس دادگاه‌های مودی و یا کمک به تشکیل دادگاه‌های قضایی ملی و مختلط بوده است. در این مقاله با روش توصیفی به تحلیل اقدامات شورای امنیت پرداخته شد که زمینه ورود آن شورا در بستر قضایی است. با توجه به پژوهش صورت گرفته چنین نتیجه گرفته شد که شورای امنیت به‌عنوان نهادهی دایمی و رکن فراگیر در سازمان ملل متحد که مورد توجه و اقبال جهانی است در برخورد با تهدیدها که به شکل دگرگون شده است، اقدام به وضع قطعنامه‌ها و تأسیس دادگاه‌هایی پرداخته که فراتر از حالت سیاسی و رکن مورد اشاره آن است و وارد فرایند تبدیل آن به نهادهی شبه حقوقی شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۱-۷۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۹۳۷۸-۳۷۲۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۴۷۹۶۶۷۰

ایمیل: m_ansarian@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

سازمان ملل متحد، شورای امنیت، دیوان کیفری بین‌المللی، رکن سیاسی، رکن قضایی.



مقدمه

در سال ۱۹۴۵ میلادی و در پی جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد تشکیل گردید که هدف از تشکیل آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از جنگ و نزاع در جهان بود. در ماده یک منشور ملل متحد، یکی از چهار وظیفه اصلی سازمان ملل، حفاظت از صلح و ایجاد امنیت بین‌المللی بیان گردید، که این مهم طبق ماده ۲۴ منشور به عهده شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفته است. تصویب‌کنندگان متن منشور ملل متحد با توجه به علل ناتوانی جامعه ملل در مقابله با آفت جنگ، این بار وظیفه خطیر استقرار صلح و امنیت را به شورایی واگذار کردند که در آن فاتحان جنگ جهانی دوم (آمریکا، انگلیس، شوروی و فرانسه) و چین از امتیازی خاص برخوردار بودند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد یکی از ارکان سازمان ملل است که وظیفه پاسداری از امنیت و صلح بین‌المللی را به عهده دارد. براساس منشور سازمان ملل متحد، قلمرو قدرت شورای امنیت شامل اعزام نیروهای پاسدار صلح، تصویب تحریم‌های بین‌المللی و اعطای اجازه استفاده از نیروی نظامی علیه کشورهای متخاصم است.

۱- ویژگی‌های خاص شورای امنیت سازمان ملل متحد

ویژگی‌هایی که تنها مربوط به شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند و این نهاد را به‌عنوان مرجعی متناسب معرفی می‌کنند عبارتند از: ۱. انتساب به سازمان ملل متحد که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا عضویت در آن را پذیرفته‌اند و از قوانین و چارچوب حقوقی آن تبعیت می‌نمایند؛ ۲. اجماع جهانی بر مقبولیت و مشروعیت شورای امنیت، تصمیمات و قطعنامه‌های آن؛ ۳. داشتن ابزارهای مختلف مانند نظریه مسؤولیت حمایت که شامل سه زیرمجموعه مسؤولیت پیشگیری، واکنش و بازسازی است؛ و ۴. داشتن تعامل با مراجع بین‌المللی دیگر از جمله دیوان کیفری بین‌المللی از طریق ارتباط با دادستان و صلاحیت ارجاع پرونده کیفری بدین نهاد.

تصمیمات این شورا به‌صورت قطعنامه‌های شورای امنیت اعلام می‌شود. بدین ترتیب، شورای امنیت با اختیاراتی وسیع،

مجری نظام امنیت مشترک شد و در مقام رکنی انتظامی مسؤول استقرار نظم و امنیت در جهان گردید (عالی زارنجی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

شورای امنیت سازمان ملل متحد عهده‌دار انجام وظایف و البته دارای اختیاراتی است. از جمله این وظایف و اختیارات عبارتند از: ۱. مسؤول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛ ۲. توصیه روش‌های مسالمت‌آمیز حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی؛ ۳. تأسیس ارکان فرعی که برای انجام وظایف خود لازم می‌داند؛ ۴. توسل به قوه قهریه برای حفظ یا اعاده صلح در صورت لزوم (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۲۴۵)؛ ۵. تنظیم برنامه جهت تأسیس نظامی برای هدفمندی استفاده از تسلیحات نظامی و نظارت بر آن؛ ۶. تحقیق، تجزیه و تحلیل هر وضعیتی که باعث افزایش تنش شود؛ ۷. فراخوانی اعضا برای اعمال تحریم‌های اقتصادی و سایر ابزارهایی که با توسل به زور ارتباطی ندارند در جهت جلوگیری یا توقف هر نوع تجاوز و عملی کردن تصمیمات شورا؛ ۸. به‌کارگیری نظام قیمومت بین‌المللی در صورت ضرورت در مناطق استراتژیک؛ ۹. تعیین وجود تهدید به صلح یا اقدام تجاوزکارانه و ارائه توصیه درباره اینکه چه اقدامی باید صورت گیرد؛ ۱۰. دعوت از طرف‌های مربوط برای پیروی از اقدامات موقتی که برای پیشگیری از وخامت اوضاع ضروری یا مطلوب به نظر می‌رسد؛ ۱۱. وظایف و اختیارات مشترک شورای امنیت و مجمع عمومی؛ ۱۲. درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره هر مسأله حقوقی؛ ۱۳. ارائه توصیه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای انتصاب دبیرکل سازمان ملل متحد و انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری به اتفاق مجمع عمومی؛ ۱۴. توصیه به مجمع عمومی در خصوص پذیرش اعضای جدید سازمان ملل؛ ۱۵. توصیه به مجمع عمومی در مورد سلب امتیازات یا تعلیق حقوق و مزایای عضویت کشوری که مورد توبیخ واقع شده است و توصیه به برقراری مجدد این امتیاز و حقوق؛ ۱۶. توصیه به مجمع عمومی برای اخراج عضوی که به طور دائم از منشور سرپیچی می‌کند؛ و ۱۷. ایفای نقش بر اساس فصل ۶ منشور و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی. شورای امنیت با آنچه در کنفرانس سانفرانسیسکو از آن انتظار

می‌رفت فاصله گرفته است؛ این فاصله با تفسیری موسع از صلاحیت شورا توسط خود این ارگان پدید آمده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد با ایجاد دادگاه‌های ویژه و موردی و ارتباط آن با دیوان کیفری بین‌المللی در تحقق عدالت کیفری و بی‌کیفرمانی، نقش مهمی ایفا می‌کند. در این رابطه باید گفت فرهنگ‌های حقوقی عدالت کیفری^۱ را به مجموع روش‌های برخورد با متهمان به ارتکاب جرم تعریف کرده‌اند. این روش‌ها و مجریان آنها وقتی در چارچوب یک نظام قرار می‌گیرند تبدیل به فرایندی می‌شوند که از کشف جرم و تعقیب متهم آغاز و به براءت یا محکومیت وی می‌انجامند. عدالت کیفری از طریق مجموعه‌ای از مراحل به اجراء درمی‌آید: اتهام، تعقیب، محاکمه، تعیین مجازات، تجدیدنظرخواهی و مجازات. این فرایندها و نهادهایی که آنها را اجراء می‌کنند در مجموع نظام عدالت کیفری نامیده می‌شوند. چارچوب عدالت کیفری توسط قوانینی که مجازات‌هایی را برای هر یک از جرایم وضع می‌کنند مشخص می‌گردد و همچنین در مورد اختیارات، قواعد و دادرسی‌ها برای هر فرایند و نهادی است (Evans, 2008: 39).

عدالت کیفری بین‌المللی مفهومی است که بر محور جنایات بین‌المللی قراردادی و عرفی درصدد تعیین و اجرای اصول، قواعد و مقرراتی است که هدف آنها جبران زیان‌های وارد بر بزه‌دیدگان جنایات بین‌المللی، مبارزه با بی‌کیفری مرتکبان این اعمال در جامعه جهانی، اجرای عدالت کیفری و در نهایت برقراری صلح و امنیت در جوامع بشری است. گستره این مفهوم هم شامل اقدامات مراجع داخلی و هم شامل اقدامات مراجع بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل می‌شود.

۲- وجاهت حقوقی دادگاه‌های تأسیسی شورای امنیت

در پایان سده نوزدهم و به‌ویژه پس از جنگ جهانی اول، جامعه بین‌المللی عزم خود را برای کیفردهی مرتکبان جرایم بین‌المللی آغاز کرد و در دهه‌های اخیر، روند بین‌المللی شدن حقوق کیفری شتاب بیشتری یافته است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۱۹). تأسیس مراجع کیفری در حقوق بین‌الملل تاکنون

به شیوه‌های مختلفی صورت پذیرفته است؛ از مراجع کیفری «نسل اول» یعنی دادگاه‌های نظامی نورمبرگ و توکیو که توسط دول فاتح جنگ جهانی دوم ایجاد شدند تا مراجع کیفری «نسل دوم» یعنی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا که از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد و همچنین دیوان کیفری بین‌المللی که توسط توافق دولت‌ها در قالب اساسنامه رم ۱۹۹۸، موجودیت خود را در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی نشان دادند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۲: ۹۰).

تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی صراحتاً در مواد مربوط در فصل هفتم منشور نیامده است، اما گفته شده است که یکی از اقداماتی که شورای امنیت می‌تواند در جهت برقراری صلح به آن متوسل شود تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی است. در ماده ۳۹ منشور آمده است: «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد کرد یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود». «استفاده از واژه هرگونه در ماده ۳۹، نهاد مزبور را از اختیارات گسترده‌ای فراتر از مفاهیم و برداشت‌های معطوف به جنگ و صلح در حقوق بین‌المللی سنتی برخوردار ساخته است» (انصاریان، ۱۳۹۳: ۳۴).

در ماده ۴۱ هم که مبنای قانونی دادگاه به حساب می‌آید شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات خویش لازم است به چه اقداماتی که متضمن استعمال نیروی مسلح نباشد، دست بزند، همچنان که می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباط و قطع روابط سیاسی باشد. در این ماده هیچ اشاره‌ای به تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی خاص نشده است، اما با توجه به تمثیلی بودن موارد، شورای امنیت از اختیار برای تأسیس دادگاه بین‌المللی خاص به‌عنوان یکی از اقداماتی که می‌تواند برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند برخوردار است.

^۱ - Criminal Justice.

عضویت در چنین معاهده‌ای استنکاف کنند. او به شورای امنیت توصیه کرد شورا بر اساس اختیارات فصل هفتم برای اتخاذ تدابیر لازم جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی خود دادگاه بین‌المللی را تشکیل دهد. به همین دلیل، همواره صلاحیت شورای امنیت در تأسیس این دادگاه‌ها، به دلیل فقدان روال قانونی و خروج شورای امنیت از اختیارات قانونی، مورد نقد قرار گرفته است.

همچنین شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۹۷۰ در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۱۱ و ارجاع وضعیت لیبی به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس اختیار موجود در بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان عمل نمود.

از بعد بین‌المللی، مهم‌ترین دلایل تأسیس دادگاه‌های مختلط عبارتند از: محدودیت‌های صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی و عدم احراز موضوع از دید شورای امنیت جهت تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه.

اساسنامه، از میان انواع صلاحیت‌های کیفری، اصل صلاحیت سرزمینی و اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت فعال (در صورت ارجاع از سوی دولت عضو یا دادستان دیوان) و اصل صلاحیت جهانی (در صورت ارجاع شورای امنیت) را پذیرفته است. از این‌رو، در مواجهه با بحران جاری در یک کشور غیر عضو تنها شورای امنیت است که مطابق اساسنامه می‌تواند با ارجاع وضعیت به دیوان، صلاحیت آن را نسبت به جرایم ارتکاب‌یافته در قلمروی سرزمینی دولت غیر عضو نیز گسترش دهد.

۳- ارتباط شورای امنیت در جایگاه نهادی سیاسی با دیوان کیفری بین‌المللی در نقش سازمانی قضایی

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی منحصر است به خطرناک‌ترین جرایم مورد نگرانی مجموعه جامعه بین‌المللی. دیوان به موجب اساسنامه نسبت به جرایمی صلاحیت رسیدگی دارد، که ما بیشتر بر روی دو مورد خاص آن یعنی جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و نقش شورای امنیت در آن متمرکز خواهیم بود. در تعریف جنایت علیه بشریت بیان شده است:

دیوان کیفری بین‌المللی از نظر صلاحیت زمانی نیز با محدودیت مواجه است. زیرا بر اساس بند ۱ ماده ۱۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، این دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایاتی را که قبل از لازم‌الاجراء شدن اساسنامه ارتکاب یافته‌اند، ندارد. بند دوم همین ماده نیز مقرر می‌کند که حتی اگر دولتی پس از لازم‌الاجراء شدن اولیه اساسنامه به آن پیوسته باشد، دادگاه درباره جنایات ارتکابی در قلمرو آن دولت یا توسط اتباع آن، تنها در صورتی که پس از لازم‌الاجراء شدن اساسنامه نسبت به آن دولت ارتکاب یافته باشند، صلاحیت دارد. بند ۱ ماده ۲۴ هم بر اصل عطف به ماسبق نشده مقررات اساسنامه تأکید ورزیده است. بنابراین تشکیل دادگاه‌های ویژه شورای امنیت اهمیت پیدا می‌کند.

زمانی که کمیسیون کارشناسان و دیگر نهادهای بین‌المللی موضوع تأسیس یک دادگاه بین‌المللی را مطرح کردند، دو دیدگاه در این‌باره از سوی حقوقدانان مطرح شد: یک دسته از حقوقدانان با استناد به نحوه تشکیل دادگاه نظامی نورنبرگ معتقد بودند برای تأسیس دادگاه یوگسلاوی سابق باید از طریق یک معاهده اقدام کرد. در مقابل، عده‌ای دیگر با اشاره به نحوه تشکیل دادگاه توکیو که با تصمیم یک‌جانبه فرمانده کل نیروهای اشغال‌کننده ژاپن شکل گرفت، اعتقاد داشتند شورای امنیت می‌تواند به نمایندگی از طرف جامعه بین‌المللی و با استناد به فصل هفتم منشور مبادرت به تأسیس دادگاه کند و مزیت این اقدام نه تنها سرعت عمل در تشکیل آن بلکه الزام دولت‌ها در قبول صلاحیت و آراء دادگاه است (ممتاز، ۱۳۷۷: ۳۹۵).

دادگاه مختلط را می‌توان هر نوع دادگاهی دانست که دربردارنده ترکیبی از عناصر داخلی و بین‌المللی است، حتی اگر سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد نقش چندانی در تأسیس آن نداشته باشند. بنابراین، طبق این تعریف دادگاه عراق نیز به‌عنوان یک دادگاه مختلط شناخته خواهد شد. (Higonnet, 2007, 6)

دبیرکل سازمان ملل به دیدگاه آخر اعتقاد داشته و معتقد بود که ایجاد یک دادگاه بین‌المللی مبتنی بر معاهده وقت‌گیر است و بیم آن می‌رود که اساساً دولت‌های متخاصم از

دستاوردهای این دادگاه‌های موردی، بار دیگر و این بار بیش از پیش، موجبات شکل‌گیری دادگاه کیفری دائمی را فراهم می‌ساخت. تولد دادگاهی دائمی با صلاحیت‌های لازم برای برقراری عدالت بین‌المللی، یعنی همان ایده‌آل جامعه ملل در شرف تحقق بود (لکورج، همکاران، ۱۴۰۰: ۴۱۸).

همچنین اساسنامه دیوان در خصوص جنایت جنگی در ماده ۸ رهیافت متفاوتی اتخاذ نموده است. برخلاف سایر جنایات، جنایات جنگی در حقوق بین‌الملل شناخته شده‌اند و رویه‌های بین‌المللی و ملی فراوانی در خصوص آنها وجود دارند. یک پرسش اینکه تا چه میزان اساسنامه فراتر از این رویه‌ها رفته است؟ به‌طور کلی ۵ مورد از جنایات جنگی در ماده ۸ اساسنامه ذکر شده است که برخی از آنها دارای ریشه عرفی بوده و برخی مبتنی بر اصول قراردادی هستند. اساسنامه جنایات جنگی را در قالب مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی عنوان نموده است. در اساسنامه سعی شده است که آن دسته از جنایاتی به‌عنوان جنایات جنگی گنجانیده شوند که در مورد عرفی بودن آنها شک و تردیدی وجود ندارد. درج جنایت ارتكابی در قالب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو هیچ بحثی را به دنبال نداشت و موارد عمده نقض حقوق مخاصمات مسلحانه در قالب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تحت صلاحیت دیوان قرار گرفت. این پیش‌شرط که این جنایات در ابعاد گسترده انجام شده باشند، تفاوت اصلی اساسنامه با ترتیبات کنوانسیون‌های چهارگانه است. یکی از نکات ابهام‌آمیز در جنایات جنگی عناصر جرایم ذکرشده برای هر کدام است، به عبارت دیگر نیاز است عناصر هر یک از جرایم تعیین گردد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در مواردی که صلاحیت داشته به‌طور فزاینده‌ای به حمایت از عملکرد و اهداف دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته است. دوبار در سال‌های ۲۰۰۵ (قضیه دارفور) و ۲۰۱۱ (قضیه لیبی) این شورا پرونده را به دیوان واگذار کرده است تا تحقیقات و تعقیب قانونی لازم صورت پذیرد. در سال ۲۰۱۲، ارجاعات متعددی به دیوان توسط شورا صورت گرفت. در مارس ۲۰۱۳، شورا به نیروهای حافظ صلح مستقر در جمهوری دموکراتیک کنگو مجوز داد

هریک از اعمال مقرر در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه است که در قالب حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابند. حمله گسترده و سازمان‌یافته شامل رفتاری می‌شود که علیه هر جمعیت غیرنظامی در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان انجام می‌گیرد. جنایات علیه بشریت از زمان عهدنامه ورسای شناخته شده‌اند، اما زمان تبلور مشخص آن در اساسنامه دادگاه نورنبرگ بود. البته تاکنون جرایم علیه بشریت در یک سند چندجانبه به‌طور مشخص نیامده است. با وجود این، برخی مواد آن در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا دیده می‌شود (به ترتیب در مواد ۳ و ۵ اساسنامه‌های مذکور). همچنین، در اساسنامه دیوان اختصاصی سیرالئون جنایت علیه بشریت مقرر شده است (ماده ۲). به هر حال، اجزاء متغیر جنایت علیه بشریت قبل از وضع اساسنامه در تحولات بین‌المللی حقوقی عرفی و حقوق قراردادی شکل گرفته است. سه عامل وقوع حمله علیه جمعیت غیر نظامی، گستردگی یا سازمان‌یافتگی حمله و علم به حمله برای تحقق جنایات علیه بشریت مهم و ضروری هستند. جنایات علیه بشریت هم می‌توانند در زمان صلح و هم در زمان یک مخاصمه مسلحانه به وقوع بپیوندند. این مخاصمه می‌تواند بین‌المللی یا غیربین‌المللی باشد. همچنین، می‌تواند توسط نیروهای دولتی و یا غیردولتی ارتکاب یابد (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی).

اساسنامه دیوان کیفری در دو نقطه به شورای امنیت نقش ممتازی داده است. یکی اعطای حق ارجاع یک وضعیت به دیوان است بدون آنکه رضایت هیچ دولتی شرط صلاحیت باشد و دوم مقرراتی است که در ماده ۱۶ اساسنامه آمده است. به موجب این ماده شورای امنیت حق دارد از دیوان بخواهد که تحقیق یا تعقیب امری را به مدت ۱۲ ماه معلق نماید و این درخواست می‌تواند پس از انقضای ۱۲ ماه دوباره تجدید گردد. بدین ترتیب، اساسنامه به شورای امنیت حق وتوی موقت در اعمال صلاحیت دیوان را اعطاء نموده است (شریعت رضوی، ۱۳۹۳: ۳۴).

مذکور را ندارد، راه‌حل مناسبی برای جلوگیری از بی‌کیفری جنایتکاران خواهد بود (Benzing, & Bergsmo, 2004: 412) وضعیت سیرالئون، تیمور شرقی و کوزوو نمونه‌های بارز فروپاشی و ناتوانی دستگاه قضایی ملی در تعقیب، دستگیری، محاکمه و اجرای مجازات جنایتکاران به علت جنگ داخلی هستند.

دلایل تأسیس این دادگاه‌های داخلی از بعد داخلی عبارتند از: ناتوانی یا عدم تمایل نظام قضایی داخلی برای رسیدگی مؤثر و منصفانه به جرایم بین‌المللی، مصونیت سران دولت‌ها در دادگاه‌های ملی، افزایش اختلافات و تنش سیاسی در صورت مداخله نظام قضایی داخلی و وجود موانع قانونی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی توسط دادگاه‌های ملی و از نظر بین‌المللی، محدودیت صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی و عدم تمایل شورای امنیت برای تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه مانند یوگسلاوی و رواندا (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۳۲۶).

۴-۱- شورای امنیت و نقش آفرینی در یوگسلاوی سابق
شورای امنیت سازمان ملل متحد در تشکیل دادگاه یوگسلاوی تأثیری قابل توجه داشت. از همان زمان آغاز جنگ در قلمرو یوگسلاوی سابق، شورای امنیت بالغ بر ۶۰ قطعنامه صادر کرد. شورای امنیت در قطعنامه دیگری در ۱۳ اوت ۱۹۹۲ خواهان رعایت حقوق انسانی از سوی کلیه طرف‌های درگیر شد. شورای امنیت پاکسازی نژادی را محکوم و از دبیرکل، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی خواست تا در خصوص نقض حقوق بشر در قلمرو یوگسلاوی سابق به شورا گزارش دهند.

شورای امنیت در خصوص یوگسلاوی به همین‌جا ختم نشد و با ارایه گزارش کمیسیون حقوق بشر درباره نقض گسترده حقوق بشر در استان در بوسنی و گزارش مشابه کمیسیون کارشناسان، شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ نقض فاحش و همه‌جانبه حقوق بشر در استان بین‌المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست و تصمیم گرفت برای محاکمه جنایتکاران جنگی در یوگسلاوی یک دادگاه بین‌المللی تأسیس شود (ذاکریان، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

که با دولت این کشور در دستگیری افرادی که حکم بازداشت‌شان توسط دیوان صادر شده همکاری نمایند (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۶). اینها نشان‌دهنده یک همکاری امیدوارکننده میان این دو نهاد است که بیانگر توافق کامل میان اهداف و منافع هر دو است. با این حال، حمایت شورا از دیوان اساساً لفظی بوده است. این بدان معنا است که شورا تا به حال دستورالعمل منسجمی در مورد نحوه همکاری دولت‌ها با دیوان، دستگیری افرادی که حکم بازداشت برایشان صادر شده و منابع مورد نیاز برای توسعه ظرفیت‌های دیوان تدوین نکرده است.

۴- مصادیق نقش آفرینی شورای امنیت در تحقق عدالت

اصولاً شورای امنیت می‌تواند به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد وضعیتی را به دیوان ارجاع کند. بدین ترتیب، دیوان مانند دو دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا به تعقیب در خصوص وضعیتی که تهدید علیه عدالت، صلح و امنیت بین‌الملل به شمار می‌رود خواهد پرداخت (شریعت رضوی، ۱۳۹۳: ۲۷). حق رجوع شورای امنیت ناشی از اختیاراتی است که بر اساس منشور ملل متحد به این نهاد محول شده و نه به موجب معاهده رم، در نتیجه ممکن است علیه دولت‌های غیرعضو اساسنامه اعمال شود. بنابراین، تعهد دولت‌ها به همکاری با دیوان اگر به موجب مقررات اساسنامه خواسته شود، ناشی از منشور ملل متحد، همانند تعهد به همکاری با دادگاه‌های کیفری خاص خواهد بود. اگر قطعنامه‌ای را شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد صادر و از دیوان درخواست کند تا تحقیق یا تعقیبی را معلق نماید، سازوکار رجوع به دیوان هرچه باشد، هیچ تحقیق یا تعقیبی به مدت دوازده ماه از تاریخ درخواست شروع نخواهد شد. شورای امنیت می‌تواند با همان شرایط این درخواست را تجدید کند (شریعت رضوی، ۱۳۹۳: ۳۰).

هرگاه دستگاه قضایی کشور محل ارتکاب جنایت، به دلایلی مثل جنگ و درگیری، دچار فروپاشی و ناتوانی شده باشد و یا قدرت، امکانات و توان مالی برای تعقیب و مجازات مرتکبان را نداشته باشد، تشکیل دادگاه کیفری مختلط با همکاری یک نهاد بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد، به‌ویژه در مواردی که دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جنایات

عملیات نظامی فیروزه و از سمت کشور ژنرال و به رغم مخالفت جبهه میهنی رواندا و سازمان اتحادیه آفریقا، در رواندا مستقر شدند. همچنین، شورای امنیت نقض حقوق بشردوستانه را در این سرزمین همواره مورد توجه قرار داده و طرفین را دعوت به رعایت مقررات حقوق بشردوستانه کرده و مسؤولیت کیفری فردی متخلفان را یادآور شده است.

به همین دلیل، در قطعنامه شماره ۹۱۸ مورخ ۱۷ می ۱۹۹۴ شورای امنیت از دبیرکل خواست در مورد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی در رواندا به شورا گزارش دهد. همچنین، در یکم ژوئیه ۱۹۹۴ شورا با صدور قطعنامه ۹۳۵ ضمن ابراز نگرانی از تداوم نسل‌کشی در رواندا از دبیرکل خواست نسبت به تشکیل یک «کمیسیون خبرگان» جهت ارائه گزارش‌های لازم در این زمینه اقدام کند. با ارائه گزارش این کمیسیون و تأیید جنایات ارتكابی، سرانجام شورای امنیت به موجب قطعنامه شماره ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ تصمیم به تأسیس دادگاه گرفت و در این مهم نقش آفرینی مثبتی جهت حل‌وفصل مشکل رواندا داشت.

دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا که با اثرگذاری مثبت شورای امنیت سازمان ملل تأسیس شد، در دو دهه فعالیت خود علیه ۹۱ متهم کیفرخواست صادر نمود، که ۶۱ پرونده منتهی به محکومیت و صدور مجازات گردید. باوجود دستاوردهای این دادگاه به‌خصوص در توسعه حقوق «نابودسازی جمعی» و عطف توجه به جرم تحریک به نابودسازی جمعی، دادگاه رواندا انتقادات پرشماری را نیز به خود دیده است. گزینشی بودن عدالت برخاسته از این دادگاه که به جرایم توتسی‌ها پس از به قدرت رسیدن نپرداخته از جمله این انتقادات است (مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران، ۱۳۹۴).

شورای امنیت پس از ایفای نقش در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، به‌دلیل انتقاداتی که با وجود نکات مثبت و مفید این دادگاه‌ها وجود داشت، در ایجاد دادگاه‌های مشابه برای وضعیت‌های یکسان بین‌المللی که امنیت، عدالت و نظم کیفری بین‌المللی را دچار خدشه می‌کردند با تردید روبه‌رو شد تا اینکه سرانجام به دلیل وجود مخاصمات داخلی در برخی از کشورهای ضعیف و درخواست مکرر آنها از سازمان ملل

شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۵ می سال ۱۹۹۳ میلادی، با صدور قطعنامه ۸۲۷ ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، تصمیم به تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی گرفت تا نسبت به تعقیب افرادی که مرتکب نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه در قلمرو سرزمینی یوگسلاوی سابق از ابتدای سال ۱۹۹۱ میلادی شده بودند اقدام کند. این نخستین محکمه بین‌المللی برای رسیدگی به مرتکبان جرایم بین‌المللی بعد از تشکیل محاکم نظامی بین‌المللی نورمبرگ و توکیو بود (ذاکر حسین، ۱۳۹۶: ۲۸).

برای نخستین بار دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا نشان دادند که نسل‌زدایی می‌تواند از طریق خشونت جنسی انجام شود. همچنین قطعنامه ۱۸۲۰ شورای امنیت بر این مفهوم که خشونت جنسی می‌تواند عنصر مادی نسل‌زدایی را تشکیل دهد تأکید کرده است. در این قطعنامه به داعش که زیارتگاه‌ها و معابد ایزدی را در سنجار نابود کرد و به صراحت بیان کرده بودند که ایزدیان یا باید کشته شوند یا به دین اسلام درآیند اشاره شده بود (خالقی و برزگر، ۱۳۹۹: ۲۸).

۴-۲- نقش شورای امنیت در رواندا با تشکیل دادگاه ویژه

موج کشتارها و بی‌خانمانی و پناهندگی مردم در رواندا باعث شد شورای امنیت وضعیت مذکور را در دستور کار خود قرار دهد. شورا ابتدا در قطعنامه ۹۲۵ مورخ ۸ ژوئن ۱۹۹۴ با اشاره به کشتار گسترده هزاران انسان در رواندا آن را نسل‌کشی و طبق حقوق بین‌المللی جرمی قابل مجازات دانست. اما تنها بر ضرورت گسترش اقدامات بشردوستانه به وسیله نیروهای پاسدار صلح در رابطه با آوارگان اشاره کرد. شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور، به دولت‌های عضو اجازه داد برای اقدامات بشردوستانه از همه وسایل ضروری استفاده کنند. به دنبال این قطعنامه، نیروهای نظامی فرانسه وارد رواندا شده و با ایجاد مناطق امن در جنوب غربی کشور عملیاتی را به نام «فیروزه» آغاز کردند. نیروهای فرانسوی توانستند با ایجاد مناطق امن، آوارگان رواندایی را تحت پوشش کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی قرار دهند. سرانجام، در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۴ بر اساس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، که در ۱۷ می به آن رأی داده شد، ۲۵۰۰ سرباز فرانسوی با

متعددی از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شده است که در آنها اعمال سیاست تبعیض نژادی، جنایت علیه بشریت و غیره تهدیدکننده امنیت و عدالت کیفری بین‌المللی دانسته شده است. برای مثال، شورای امنیت در قطعنامه ۱۶۱ مصوب ۱۹۶۱ در قضیه کنگو که با دو رأی ممتنع فرانسه و شوروی سابق تصویب شد، با تأسف عمیق و ابراز نگرانی، نقض سیستماتیک حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نبود عمومی حکومت قانون در کنگو را ملاحظه کرده است (میرعباسی و میرعباسی، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

در واقع، می‌توان گفت عوامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی تغییر یافته و در کنار عوامل سنتی مانند تجاوز نظامی، اشغال نظامی، تهدید به حمله مسلحانه و... عواملی مانند نقض گسترده، سازمان‌یافته، فاحش و شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که منجر به کشتار بی‌رحمانه و وحشیانه تعداد بسیاری از افراد بشر یا ایراد صدمات جسمانی و روحی شدید به آنها گردیده و موجی از بی‌خانمانی‌ها، آوارگی‌ها و پناهندگی‌ها را ایجاد می‌کند، ارتکاب گسترده و مکرر برخی جرایم بین‌المللی مانند دزدی دریایی، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان و...، شیوع بیماری‌های مسری و کشنده مانند ایدز، مالاریا، سل، وبا، طاعون و...، آلودگی یا تخریب شدید و گسترده محیط زیست و... همگی از عوامل نوتهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی در جامعه بین‌المللی محسوب می‌شوند، به‌نحوی که ورود شورای امنیت را در این زمینه خواه از طریق اقدامات توصیه‌ای و خواه از طریق اقدامات اجرایی بایسته می‌کنند (قلی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۰۳). افزون بر این، با شدت گرفتن خشونت‌های جنسی در مخاصمات مسلحانه و تبدیل شدن زنان به ابزارها و وسایل جنگی در جهت تضعیف و تخریب روحیه طرف مقابل، شورای امنیت سازمان ملل متحد ضروری دیده است که به‌ویژه نگاهی خاص به این پدیده شوم و منفور کند تا قواعد حقوق بشردوستانه را بر دولت‌ها و طرفین مخاصمات بین‌المللی و داخلی تحمیل نموده و نقش فعالی در اجرایی کردن این حقوق داشته باشد. ضمن اینکه مسئولیت کیفری بانیان، حامیان، آمران و عاملان نقض این قواعد، در رابطه با غیرنظامیان، زنان و کودکان در موارد متعددی مورد

متحد برای تأسیس مجدد دادگاه‌های کیفری، باز هم شورای امنیت سازمان ملل به ایفای وظیفه پرداخت ولی این بار برای مبارزه با به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی، به جای تأسیس دادگاه صرفاً بین‌المللی، نسل جدیدی از دادگاه‌های کیفری با تشریک مساعی کشور بزه‌دیده برپا شدند که دربرگیرنده ترکیب مختلطی از عناصر ملی و بین‌المللی بودند. بدین ترتیب این محاکم که به دادگاه‌های مختلط^۱ یا بین‌المللی‌شده معروف هستند، به‌عنوان مراجع کیفری نسل سوم در راستای مقابله با بی‌کیفری پا به عرصه ظهور گذاشتند.

۵- مؤلفه‌ها و متغیرهایی تاثیرگذار در تغییر بعد سیاسی شورای امنیت به شبه حقوقی

در این قسمت اقداماتی که از سوی شورای امنیت صورت گرفته است که می‌تواند نشانه‌ای از تمایل آن شورا به قانونگذاری و یا حداقل ورود به آن عرصه باشد را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مواردی که با توجه به گوناگونی و افزایش تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی از حوزه صرفاً نظامی به سایر موارد همچون بهداشت و درمان، دزدی دریایی، تحولات مربوط به جانشینی دولت‌ها و تغییرات سیاسی همچون کودتاها را شاهد هستیم.

۵-۱- توجه بیشتر به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی

امروزه قواعد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به جایگاه تعهدات عرفی عام‌الشمول و قواعد آمره دست یافته و از آنجا که در نقطه مرکزی قواعد بین‌المللی قرار می‌گیرند، پیوند محکمی با نظم عمومی بین‌المللی یافته و نقض شدید، گسترده و یا سازمان‌یافته آنها امنیت و عدالت بین‌المللی را به مخاطره انداخته و از این‌رو زمینه اقدام نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد را فراهم می‌سازد. در نتیجه، امروزه سازمان ملل متحد و به‌ویژه شورای امنیت به نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه واکنش نشان داده و آن را تهدیدی علیه صلح، عدالت و امنیت بین‌المللی می‌دانند. بر همین اساس، قطعنامه‌های

^۱ - Hybrid Courts.

اشاره شورا قرار گرفته است. قطعنامه ۱۳۱۴ مصوب ۲۰۰۰ و ۱۳۷۹ مصوب ۲۰۰۱ و ۱۴۶۰ مصوب ۲۰۰۳ و ۱۵۳۹ مصوب ۲۰۰۴ در این زمینه قابل اشاره هستند.

آنچه در جریان این تحولات از همه قابل توجه‌تر است اینکه به تدریج و با گسترش اندیشه حقوق بشر و توجه ویژه به حقوق بشردوستانه در پی فراگیر شدن مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی، ضرورت حمایت کیفری از ارزش‌ها و هنجارهای بشری و حقوق بنیادین بشر و اصول اساسی حقوق بشردوستانه احساس شده است. در واقع، جهانیان دریافته‌اند که بدون ابزار کیفری، مبارزه با نقض این حقوق راه به جایی نخواهد برد و ضروری است که نظام بین‌المللی در سده جدید به هنجارها و نهادهای کیفری مجهز گردد تا بتواند به طور مؤثری در پیشگیری از ارتکاب، تکرار و استمرار این جنایات موفق شود. اگر از اواسط سده بیستم به بعد، حقوق بشر در کانون توجه مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی قرار گرفته است، رفته‌رفته این اعتقاد در عرصه بین‌المللی شکل گرفته است که باید با ابزار کیفری به مقابله با نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی پرداخت، امری که به تدریج در قالب تشکیل دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی از دهه ۱۹۹۰ آغاز گردیده و با تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ تثبیت گردیده است. بر همگان مسلم است که درون‌مایه و کانون اصلی جنایات بین‌المللی قواعد اساسی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند و تا این قواعد نباشند، سخن از جنایات بین‌المللی نیز بی‌معنا است، به‌نحوی که گفته شده است یکی از علل اصلی تأسیس دیوان در اواخر سده بیستم تلاش گسترده جهانی در نهادینه کردن حقوق بشر و بشردوستانه بود (جعفری، ۱۳۹۴: ۴۸۳). گویی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری دو روی یک سکه‌اند. به عبارتی دیگر، تثبیت فرهنگ حقوق بشر در جوامع بشری به نوبه خود فرهنگ پاسخگویی را به‌دنبال داشته است و به تدریج فرهنگ بی‌کیفری را از بین خواهد برد و زمینه را برای ظهور فرهنگ صلح فراهم خواهد ساخت، که در سایه آن حقیقت، عدالت و آرامش و آسایش بر پهنه گیتی حکم‌فرما خواهد شد. همه این پیشرفت‌ها و تحولات زمینه ورود شورای امنیت در حوزه اجرای عدالت

کیفری بین‌المللی را هموار ساخته است و اگر اقدامات این نهاد حالت گزینشی و رنگ سیاسی نداشت، حتی انتظار جهانیان به مراتب بیشتر از اقدامات فعلی بود و با ایرادی نیز روبه‌رو نمی‌شد (قلی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

همچنین، در سال ۱۹۸۱ در قطعنامه ۶۸۸ سرکوب مردم غیرنظامی را در بسیاری از بخش‌های عراق محکوم کرد و پیامدهای آن را تهدیدکننده امنیت بین‌المللی در منطقه دانست. همین وضعیت در حقوق بشردوستانه نیز وجود دارد. با وجود تردیدها، قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت در بحران بوسنی خط بطلانی بر تردید در مورد صلاحیت شورای امنیت در زمینه حقوق بشردوستانه کشیده‌اند. شاید به جرأت بتوان گفت شورای امنیت در زمان جنگ دارای وظایف دوچندانی است که یکی پایان بخشیدن و خاموش کردن شعله‌های جنگ از طرق مختلف از جمله روش‌های دیپلماتیک و دیگری تحمیل مقررات مربوط به مخاصمات مسلحانه به کشورهای درگیر در جنگ است. اینها همان اقداماتی هستند که شورای امنیت هرچند با تعلل در بحران بوسنی انجام داد. از یک‌سو، این شورا از طرح‌های صلح ارائه‌شده برای پایان دادن به این مخاصمات حمایت کرد و از سوی دیگر صرب‌های بوسنی را به پذیرش و اجراء قواعد بشردوستانه مکلف کرد (توکلی طبسی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

۵-۲- ورود به عرصه‌های جدید و تشخیص تهدید امنیت به مانند برخورد با ویروس ابولا

بیماری‌های ایدز و ابولا از جمله برجسته‌ترین نمونه‌های بیماری‌های همه‌گیری بودند که تبدیل به بحران‌های بهداشتی جهانی شدند. شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۷۷ سال ۲۰۱۴، شیوع ویروس ابولا را مطابق با ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد نه تنها تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به حساب آورد، بلکه عامل تضعیف‌کننده ثبات کشورهای متأثر از بیماری دانست و بروز ناآرامی‌های مدنی، تنش‌های اجتماعی و وخیم‌تر شدن فضای سیاسی و امنیتی کشورهای مذکور را از پیامدهای آن بیماری برشمرد. «شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۱۷۷ در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴، شیوع ویروس ابولا در غرب آفریقا را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و موجبی برای تحت تأثیر قراردادن اقدامات مربوط به

شورای امنیت در تاریخ ۱ جولای ۲۰۲۰ به اتفاق آراء و با استناد بر اولین و اصلی‌ترین وظیفه خود که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در چارچوب منشور سازمان ملل است، قطعنامه‌ای مبنی بر آتش بس و ترک مخاصمه بشردوستانه برای ۹۰ روز متوالی در مناطق درگیری در سراسر دنیا به دلیل شیوع ویروس کرونا و به منظور امکان انتقال مطمئن، بی‌مانع و مداوم کمک‌های بشردوستانه، تهیه خدمات مربوط بوسیله بازیگران بی‌طرف مطابق با اصول بشردوستانه، بی‌طرفی و استقلال و در عین حال انجام کمک‌های پزشکی مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل را تصویب کرد.

۵-۳- اجازه ورود به دریای سرزمینی یک دولت دیگر برای مبارزه با دزدی دریایی

ظهور مجدد دزدی دریایی و راهزنی مسلحانه علیه کشتی‌ها پس از یک دوره رکود در سواحل سومالی و خلیج عدن، به‌عنوان تهدیدی جدی علیه ایمنی دریانوردی، حیات دریانوردان، خدمه و مسافری، اقتصاد داخلی کشورها و به تبع آن تجارت جهانی، محیط زیست دریایی و ایمنی کشتی‌های ساحلی و غیرساحلی به شمار می‌رود. دزدی دریایی از سال ۲۰۰۶ تاکنون علاوه بر اثرات زیان‌باری که بر صنایع گردشگری در جهان داشته سالانه بالغ بر ۱۸ میلیارد دلار بر هزینه‌های مربوط به تجارت دریایی افزوده است. بر این اساس، مقابله با دزدی دریایی و راهزنی مسلحانه در سواحل سومالی و خلیج عدن، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه بین‌المللی در دهه اول قرن بیست و یکم تبدیل شده است. «شورای امنیت سازمان ملل متحد که عهده‌دار حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده متعاقب فعالیت گسترده و مجدد دزدان دریایی در آبراه‌های مهم بین‌المللی به‌ویژه در سواحل سومالی و خلیج عدن که صلح و امنیت بین‌المللی را با تهدید جدی مواجه کرده اقدام به صدور تعداد زیادی قطعنامه در این راستا نموده است (بیست‌وسه قطعنامه). قطعنامه‌های شورای امنیت جزء منابع الزام‌آور حقوق بین‌الملل محسوب شده و کشورها مکلف به رعایت آن‌ها همانند دیگر تعهدات مندرج در کنوانسیون‌ها که عضویت آن‌ها را دارند، می‌باشند» (کاظمی و حیدری، ۱۴۰۰: ۳۷۱).

در محور اقدامات مقابله‌ای، شورای امنیت به‌عنوان مسؤول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قطعنامه‌های متعددی در

حفظ صلح در این پهنه جغرافیایی اعلام کرد. این رکن سازمان ملل با تکیه بر مهم‌ترین مسؤولیت خود طبق ماده ۲۴ منشور اقدام به صدور قطعنامه کرد. تفسیر موسع شورای امنیت از مفهوم صلح پس از پایان جنگ سرد، ورود این رکن را به حوزه‌های مختلفی که احتمال آن می‌رود تهدیدی علیه صلح محسوب شوند، توجیه‌پذیر کرده است. به نظر می‌رسد تا جایی که عملکرد شورای امنیت در صدور قطعنامه‌های اعلامی منطبق با چارچوب اصول و اهداف تعریف‌شده در منشور ملل متحد و رعایت چارچوب حاکمیت دولت‌ها باشد، امکان استناد به قطعنامه‌های آن به‌منزله منبعی معتبر در حقوق بین‌الملل عام تسهیل می‌شود. (لسانی و نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۴۳)

شورای امنیت به حوزه‌های درمان و تندرستی در مورد ویروس کرونا و همه‌گیری آن نیز ورود کرد. تشخیص همه‌گیری ویروس کرونا به‌عنوان بحرانی بین‌المللی، شورای امنیت سازمان ملل را بر آن داشت تا با ورود به موضوع، نقش کلیدی خود را که همانا حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است، با تصویب قطعنامه ۲۵۳۲ ایفا کند. آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد در اینباره به شورای امنیت هشدار داده بود که همه‌گیری ویروس کرونا، از قابلیت تشدید ناآرامی‌های اجتماعی و خشونت برخوردار است که به نوبه خود امکان پیکار با آن را محدود و در عین حال مانع از حل و فصل نزاع‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی می‌شود. در واقع، همه‌گیری ویروس کرونا را به‌مثابه نبرد یک نسل برای بقا باید نامید که آرامش و امنیت جهان را تهدید می‌کند. در نهایت شورای امنیت پس از گمانه زنی‌های فراوان، در تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۲۰ تصمیم خود مبنی بر تصویب قطعنامه‌ای به‌منظور حمایت از درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد برای برقراری آتش بس جهانی در مناطق جنگ زده و آسیب‌پذیر، جهت مبارزه با ویروس کووید-۱۹ را اعلام نمود. در این قطعنامه که به اتفاق آراء به تصویب رسید، شورای امنیت درخواست توقف و آتش‌بس عمومی و فوری در تمام وضعیت‌های مخاصمه را صادر کرد و به شکلی از تلاش‌های دبیرکل سازمان ملل متحد و نمایندگان ویژه وی در این راستا حمایت نمود.

بین‌المللی به هنگام ارتکاب جرایم بین‌المللی صحبت کرد، چنین صحبتی در خصوص دادگاه‌های ملی در حال حاضر تا حدودی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. در دادگاه‌های ملی، اصل اعمال‌شده در حقوق بین‌الملل عمومی این است که سران دولت‌ها از مصونیت مطلق در برابر چنین دادگاه‌هایی برخوردارند (Cassese, 2008: 321).

در قضیه فیدل کاسترو نیز در مارس ۱۹۹۹، دادگاه اسپانیایی در رأی خود، ضمن اعلام عدم صلاحیتش برای بررسی جنایات انتسابی به فیدل کاسترو، تأکید می‌کند که وی رئیس در حال خدمت دولت کوبا محسوب و از این‌رو از مصونیت کیفری برخوردار است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۶). چنین رویکردی در قضیه رابرت موگابه، رئیس‌جمهور زیمبابوه، توسط دادگاه آمریکایی رسیدگی‌کننده در سال ۲۰۰۴ اتخاذ شد (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). یکی از راه‌کارهای مقابله با بی‌کیفرمانی آنها، تأسیس دادگاه‌هایی است که در کنار عناصر ملی، از معیارها و مؤلفه‌های بین‌المللی برخوردارند؛ مانند دادگاه مختلط سیرالئون که ضمن محکوم نمودن چارلز تیلاور، رئیس‌جمهور لیبریا، مصونیت سران دولت‌ها را در برابر دادگاه‌هایی که از خصایص بین‌المللی برخوردارند، رد کرد.

درواقع باید گفت شورای امنیت درخصوص نحوه عمل دولت‌مردان یک کشور نیز حساس است و این امکان را دارد که در صورت نقض گسترده و نظام‌مند حقوق بشر در حین به قدرت گرفتن یا در زمان حکمرانی، وضعیت پیش گفته را نقض و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نماید. شورای امنیت در قطعنامه ۸۴۱ درمورد هائیتی، در حالی کودتای نظامیان این کشور و ممانعت از اعمال حاکمیت رئیس‌جمهور این کشور (ژان برتراند آریستید) را محکوم کرد که تا پیش از آن کودتا، یکی از طرق مرسوم به دست گرفتن قدرت در جامعه بین‌المللی به شمار می‌رفت.

البته این اقدام مثبت است از آنجایی که دولت‌مردان و مسؤولان می‌دانند که نمی‌توانند به بهانه امور داخلی و حاکمیت ملی، هر اقدامی انجام دهند و حقوق انسان‌ها را نقض کنند. شورای امنیت نیز باید در همه جا بدون تبعیض و

مورد وضعیت سومالی صادر نموده، از جمله قطعنامه‌های ۱۸۴۶، ۱۸۴۴، ۱۸۳۸، ۱۸۱۶، ۱۸۱۴، یعنی در واقع در سال ۲۰۰۸ بیشترین قطعنامه شورا به این موضوع اختصاص داشت که اهمیت بالایی موضوع را نشان می‌دهد. شورا بر اساس فصل هفتم منشور و پیرو درخواست رئیس‌جمهور سومالی مبنی بر کمک جامعه بین‌المللی برای مبارزه با دزدی دریایی قطعنامه ۱۸۵۱ را تصویب نمود. این قطعنامه که به اتفاق آراء توسط تمامی ۱۵ کشور عضو شورا به تصویب رسید، کشورها را مجاز می‌دارد که جهت سرکوب دزدی دریایی و مسلحانه در دریا، تمامی اقدامات لازم را به عمل آورند. همچنین در این قطعنامه از تمام کشورهای که قادر به مبارزه با دزدان دریایی هستند خواسته شده مشارکت فعالانه داشته و ناو یا هواپیما به منطقه اعزام کنند. شایان ذکر است که تمهیدات مندرج در این قطعنامه مختص سومالی بوده است. در ادامه تمامی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تشویق شده‌اند که به منظور هماهنگی فعالیت هایشان در مبارزه با دزدی دریایی هرچه سریع‌تر یک سازوکار همکاری بین‌المللی راه‌اندازی نمایند.

به‌طور کلی قطعنامه‌های شورای امنیت راهکارهای متنوعی را در عرصه مقابله مؤثر با دزدی دریایی پیشنهاد داده که در کوتاه‌مدت توانسته است بر روند گسترش دزدی دریایی تأثیرگذار بوده و با همکاری کشورهای مختلف امنیت را در برخی از آبراه‌های بین‌المللی برقرار سازد.

۵-۴- همکاری شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی و نقض مصونیت مسؤولان جنایتکار

از مؤلفه‌هایی که می‌توان تحول در کارکرد شورای امنیت از سیاسی به شبه حقوقی دانست، اقدام در یک فرایند درجهت زدودن مصونیت دولتمردان از اقدامات و اتهامات کیفری بین‌المللی است. گرایش فعلی نظام حقوق بین‌الملل و نیز رویکرد همه‌جانبه ارکان سازمان ملل در جهت صیانت بیشتر از بشریت و حقوق بشر به سمت شکل‌گیری قاعده‌ای عرفی در نفی مصونیت کیفری سران دولت‌ها به هنگام ارتکاب جنایات بین‌المللی در حال توسعه و تحول می‌باشد. با وجود این، در حالی که می‌توان از شکل‌گیری قاعده عرفی لغو مصونیت کیفری سران دولت‌ها در نزد دادگاه‌های کیفری

امور سیاسی و بنابر اصول و قواعد حقوق بشر به رصد و محکومیت نقض حقوق بشر اقدام کنند.

به موجب ماده ۲۷ اساسنامه، سران دولت‌ها هیچ گونه مصونیتی در برابر دیوان کیفری بین‌المللی ندارند و مصونیت رئیس دولت با ارتکاب جنایت بین‌المللی از بین می‌رود. (اختری، ۱۳۹۹: ۵۶) صدور حکم بازداشت علیه چند مقامات دولتی از جمله باگبو رییس جمهور سابق ساحل عاج، معمر قذافی حاکم لیبی و کنیاتا رییس جمهور کنیا به اتهام ارتکاب جرایم بین‌المللی و تعقیب آنها در دیوان کیفری بین‌المللی یکی از اصول بنیادین اساسنامه دیوان را که عدم مصونیت سران دولت‌ها است به منصفه ظهور رساند. همچنین می‌توان به صدور حکم بازداشت عمر البشیر رئیس جمهور سودان به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی در جولای ۲۰۰۱ و حکم بازداشت دوم، علیه وی در جولای ۲۰۰۸ به اتهام نسل‌کشی اشاره کرد که در پی آن طبق بند ۸ ماده ۱۹ اساسنامه روم، دیوان از دول عضو و همه دول ملل متحد که عضو دیوان نیستند تقاضا نمود، رئیس جمهور سودان را در صورتی که در قلمرو آنها یافت شود بازداشت نمایند و تحویل دیوان دهند. اگرچه دولت سودان عضو دیوان نیست، اما به اعتقاد مقامات دیوان با ارجاع وضعیت یک دولت غیر عضو از سوی شورای امنیت، مصونیت مقامات آن سلب می‌شود و دولت‌ها می‌بایست در اجرای قرار بازداشت، نه از سوی خود بلکه به نمایندگی از دیوان و شورای امنیت عمل کنند. دول عضو و غیر عضو اساسنامه، به موجب مقررات منشور ملل متحد موظف به رعایت اجرای تصمیمات شورای هستند و در این ارتباط معاهده ۱۰۳ منشور ملل متحد (اولویت اجرای تهدات ناشی از منشور) مورد استناد است.

۵-۵- شورای امنیت و تأسیس نهادهای قضایی

شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از پایان جنگ سرد، رویه‌ای متفاوت در فعالیت‌های خود در پیش گرفته است. شورا با ارائه تفسیری موسع از صلح و امنیت بین‌المللی، محدوده فعالیت خود را به‌طور قابل ملاحظه‌ای گسترش داده و حتی در مواردی اقدام به نوعی قانونگذاری کرده است.

بر اساس بند ۱ از دو قطع نامه ۱۴۲۲ و ۱۴۸۷ با این تقاضا که مطابق با ماده ۱۶ از اساسنامه رم، اگر موقعیتی ایجاد شود که مشمول مقامات رسمی یا پرسنل سابق یا فعلی از یک دولت غیر عضو اساسنامه رم شود، از جمله فعل یا ترک فعلی مربوط به عملیات مجاز یا استقرار یافته سازمان ملل، برای ۱۲ ماه تعقیب یا تحقیقی صورت نمی‌گیرد؛ مگر اینکه شورای امنیت تصمیم دیگری اتخاذ نماید. این امر دخالت آشکار یک رکن سیاسی (شورای امنیت) در یک رکن قضایی (دیوان) که باید مستقل باشد قلمداد می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۸۱).

شورا به‌عنوان قانونگذار جهانی در برخی موضوعات که حتی در قالب معاهدات بین‌المللی مدون شده است، تعهداتی فراتر ایجاد کرده است. (موسوی و بذار، ۱۳۹۵: ۸۶) به‌عنوان مثال، قطعنامه‌های ۱۷۳۷^۱ و ۱۵۴۰^۲ به ترتیب، تعهداتی فراتر از کنوانسیون بین‌المللی برای نظارت بر تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) ایجاد کرده‌اند.

امکان تأسیس یک‌جانبه دادگاه مختلط توسط سازمان ملل متحد که بنابر اختیار و تشخیص شورای امنیت سازمان ملل متحد است از جمله موارد دخالت و حضور شورای امنیت به‌عنوان یک رکن سیاسی در امور قضایی است.

همچنین شورای امنیت می‌تواند در قالب معاهده با دولت محل ارتکاب جنایت به تأسیس دادگاه مبادرت ورزد همچون تأسیس دادگاه‌های سیرالئون، کامبوج، لبنان که از این جهت تشکیل گردید. همچنین شورای امنیت به طریق دیگری نیز در تشکیل و ایجاد نهاد قضایی مؤثر و راهگشا واقع می‌شود و آن انعقاد معاهده میان دولت محل ارتکاب جنایت و یک سازمان بین‌المللی یا منطقه‌ای غیر از سازمان ملل به مانند دادگاه سنگال است. همچنین شورای امنیت این امکان را دارد تا بدون درخواست دولت محل ارتکاب جنایت و انعقاد معاهده جهت تشکیل دادگاه ویژه به‌مانند دادگاه‌های تیمور شرقی و کوزوو اقدام کند.

^۱ - SC Res. 1373, 28 September 2001.

^۲ - SC Res. 1540, 28 April 2004.

نتیجه‌گیری

منشور ملل متحد نیز به منظور ایجاد صلح پایدار ایجاد شده است و صلح پایدار تنها در سایه عدالت به وجود خواهد آمد. بنابراین، شورای امنیت باید در عمل به وظایف خود عدالت را در نظر گرفته و به آن عمل کند. در غیر این صورت به تعهدات و وظایف خود طبق منشور عمل نکرده، و منشور نیز معاهده‌ای بین کشورها است که نمی‌توان به مقررات آن به صورت گزینشی عمل نمود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، به دلیل اینکه منتسب به سازمان ملل متحد است، تصمیمات و قطعنامه‌های آن مورد قبول همگان در عرصه بین‌المللی قرار می‌گیرد و به همین دلیل از اقتدار و موضع بالایی برخوردار است، که به همین واسطه توانایی ورود به معضلات و بحران‌های کیفری بین‌المللی را پیدا می‌کند. از سوی دیگر، این اقتدار و موضع قدرتمند برای حل مشکلات همراه است با ابزارهایی که شورای امنیت در اختیار دارد و با توسل به آنها می‌تواند از مرحله پیشگیری و تحریم اقتصادی وارد شده و حتی تا اقدام نظامی و یا ارجاع پرونده به دیوان کیفری بین‌المللی پیش رود. به همین دلیل است که امروزه شورای امنیت در تمام مسائلی نظیر پرونده‌های یوگسلاوی، رواندا، لیبی، سوریه، فلسطین، سودان و بسیاری از کشورهای دیگر در موضوعات جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، تروریسم، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و سایر مصادیقی که امنیت و عدالت بین‌المللی را تهدید می‌کند نقش داشته است.

دلایل تأسیس دادگاه‌های مختلط از دو بعد داخلی و بین‌المللی قابل بحث است. از منظر داخلی، می‌توان به دلایلی مثل ناتوانی یا عدم تمایل نظام قضایی داخلی برای رسیدگی مؤثر و منصفانه به جرایم بین‌المللی، مصونیت سران دولتها در محاکم ملی، افزایش اختلافات و تنش سیاسی در صورت مداخله نظام قضایی داخلی و وجود موانع قانونی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی توسط محاکم ملی اشاره کرد. از منظر بین‌المللی نیز محدودیت‌های صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی و عدم تمایل شورای امنیت برای تأسیس یک

دادگاه کیفری بین‌المللی اختصاصی از مهم‌ترین دلایل تأسیس محاکم مختلط محسوب می‌شوند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد با ورود به عرصه‌هایی که ناشی از تغییر تهدیدها و چالش‌های فراروی جامعه بشری هست و صدور قطعنامه و تشکیل دادگاه‌های ویژه برای مجازات مرتکبان نقض حقوق بشر در عمل وارد حوزه حقوقی شده است که این اقدام هرچند باید با احتیاط و براساس اصول کلی حقوق و آرا و رویه قضایی بین‌المللی باشد، اما با توجه به نتیجه مثبت اقدامات شورا در حوزه‌هایی همچون دزدی دریایی، برگشت رئیس جمهور قانونی هایتی و مقابله با ویروس همه‌گیر ابولا و کرونا و مقابله با تغییرات اقلیمی، می‌تواند از اثر مهم و فوری برخوردار باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت انفرادی توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اختری، نایب علی (۱۳۹۹). «عملکرد دادگاه کیفری بین‌المللی از ابتدا تا اکنون». *دوفصلنامه گفت‌مان حقوقی*، ۱۷: ۵۶-۶۹.

- انصاریان، مجتبی (۱۳۹۳). *تأثیر تحریم‌های تحمیلی بر ایران از منظر دکتترین امنیت انسانی*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

- قلی‌پور، غلامرضا (۱۳۹۲). نقش شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی. به راهنمایی دکتر علی آقایی، تبریز: دانشگاه تبریز.

- کاظمی، سجاد و حیدری، سجاد (۱۴۰۰). «مقابله با دزدی دریایی سواحل سومالی و خلیج عدن در پرتو قطعنامه‌های شورای امنیت؛ راهکارهایی مؤثر اما محدود، تحقیقات حقوقی». ۹۴: ۳۷۱-۳۹۱.

- لسان، حسام‌الدین و نقی زاده، یلدا (۱۳۹۶). «عملکرد شورای امنیت در مواجهه با پدیده ابولا رویکردی نوین در حوزه سلامت عمومی». فصلنامه حقوق عمومی، ۴۷: ۱۴۰۱-۱۴۳۳.

- لکوریج، علی منصور؛ عباسی، اصغر و قربانی، علی (۱۴۰۰). «بی‌کیفری مجرمان بین‌المللی در اسناد بین‌المللی». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۴۸: ۴۱۸-۴۳۰.

- ممتاز، جمشید (۱۳۷۷). دیوان بین‌المللی کیفری محاکمه متهمین تخلفات عمده حقوق بشردوستانه در سرزمین یوگسلاوی سابق. چاپ سوم، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- موسوی، فضل‌الله و بذار، وحید (۱۳۹۵). «نظارت قضایی محاکم بین‌المللی بر شورای امنیت سازمان ملل متحد». مجله حقوقی بین‌المللی، ۵۴: ۸۶-۱۰۳.

- میرعباسی، سید باقر و میرعباسی، سیده فرناز (۱۳۹۴). نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر. جلد دوم، تهران: نشر جنگل.

- میرمحمدصادقی، حسین و رحمتی، علی (۱۳۹۷). «دلایل و مبانی حقوقی تأسیس دادگاه‌های کیفری مختلط (بین‌المللی‌شده) از منظر داخلی و بین‌المللی». نشریه پژوهش حقوق کیفری، ۲۵: ۱۶-۳۲.

- میرمحمدصادقی، حسین و علی رحمتی (۱۳۹۹). «ارتباط و همزیستی دادگاه‌های مختلط (بین‌المللی‌شده) با دیوان کیفری

- توکلی طبسی، علی (۱۳۸۳). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در پرتو توسعه حقوق بین‌الملل. تبریز: انتشارات یاس نبی.

- جعفری، فریدون (۱۳۹۴). دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی‌سازی حقوق کیفری. تهران: نشر میزان.

- خالقی، علی و برزگر، محمدرضا (۱۳۹۵). «خشونت جنسی علیه زنان ایزدی به مثابه نسل‌زدایی با تأکید بر رأی دادگاه بین‌المللی رواندا». مجله پژوهش‌های حقوقی جزا و جرم‌شناسی، ۱۶ (۶): ۲۸-۴۰.

- ذاکریان، مهدی و آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، فعالیت‌ها و دستاوردها». نشریه سیاست خارجی، ۲۱: ۲۱۱-۲۳۰.

- سبحانی، مهین (۱۳۸۹). «تأملی بر مصونیت کیفری مقامات عالی‌رتبه دولتی در جرایم بین‌المللی». پژوهشنامه حقوقی، ۲۴ (۲): ۴۱-۴۶.

- سلیمی، صادق (۱۳۹۳). «ارتباط شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۴۳: ۱۸۱-۲۰۱.

- شریعت رضوی، محمدجواد (۱۳۹۳). حقوق کیفری بین‌المللی. چاپ دوم، تهران: نشر جنگل.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل عمومی. چاپ بیست و ششم، تهران: نشر گنج دانش.

- عالی زارنجی، رضا (۱۳۹۵). «شورای امنیت سازمان ملل متحد و نحوه اقدام آن در برابر کشورهای جهان». نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۸ (۲): ۱۴۹-۱۶۱.

- عبداللهی، محسن (۱۳۸۷). «مصونیت کیفری سران دولت در حقوق بین‌الملل: از مصونیت مطلق تا حکم جلب عمر البشیر». سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، ۶ (۴): ۱۰۱-۱۱۶.

بین‌المللی و محاکم ملی». فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری،
۱۵: ۳۲۶-۳۴۶.

ب. منابع انگلیسی

- Benzing, M & Bergsmo, M (2004). *Some Tentative Remarks on the Relationship between Internationalized Criminal Jurisdictions and the International Criminal Court*. Oxford University Press.
- Cassese, A (2008). *International Criminal law*. New York: Oxford University Press.
- Evans, G (2008). *The Responsibility to Protect: Ending Mass Atrocity Crimes Once and For All*. Washington D.C: Brooking Institution Press.
- Higonnet, E. (2007). "Restructuring Hybrid Courts: Local Empowerment & National Criminal Justice Reform", *Ariz. J. Intl & Comp. L*, 72 (32): 233-264.